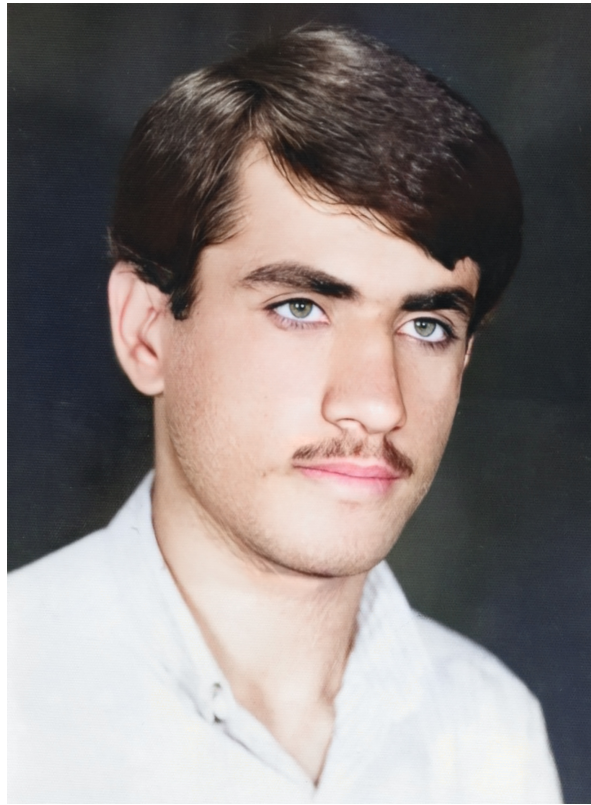


شهید مهدی اخلاقی



نام پدر	حسینقلی
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۱۲/۲۸
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۴/۳۰
محل شهادت	میمک
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	—
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	درواهی

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید مهدی اخلاقی در سال ۱۳۴۷ در محله‌ی درواهی شهر آب‌پخش دیده به جهان گشود. ایشان پسر ارشد خانواده بود و مایه‌ی دل‌بستگی پدر و مادر. وی پس از پشت سر گذاشتن دوران طفولیت، تحصیلات ابتدایی را در دبستان پسرانه‌ی درواهی به پایان برد و وارد مدرسه راهنمایی گردید. شهید اخلاقی تحصیلات خود را تا پایان دوره راهنمایی بیشتر ادامه‌نداد و ترک تحصیل نمود. او جوانی خوش‌برخورد و مهربان بود و با دوستانش رابطه‌ای گرم و صمیمی داشت و در مراسم و مناسبت‌ها بخصوص ماه محرم حضور فعال داشت. حدود دو سال در کنار پدر مشغول کار بود تا اینکه به بیماری سختی مبتلا شد و در بیمارستان‌های شیراز به مدت ۳ ماه بستری گردید. پس از بهبودی ازدواج کرد و پس از چند ماه به خدمت مقدس سربازی و جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام شد. بیش از ۶ ماه از خدمت او نمی‌گذشت که در تیرماه ۶۷ در منطقه‌ی عملیاتی مرصاد (صالح آباد) در درگیری با منافقین بر اثر ترکش خمپاره زخمی شد و پس از شیمیایی شدن جان به جان آفرین تسلیم کرد.

خاطره

در منطقه سومار جزو عقیدتی سیاسی ارتش بود و در مسابقه قرآن مقام اول را کسب نمود. او خیلی شجاع بود و علیرغم اینکه از طریق فرماندهی اجازه عقب نشینی داشتند ولی او با تعدادی از دوستانش شجاعانه در مقابل بعثیون و منافقین مقاومت کرده تا به درجه رفیع شهادت نائل شدند.

وصیت نامه

برگرفته از دفترچه خاطرات شهید

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و درود به روح پاک و مطهر شهیدان که با خون خود نهال اسلام را آبیاری کردند. اکنون که قلم بدست گرفته‌ام و آن را بر کاغذ روانه ساخته‌ام تا به عنوان یادگاری از زندگی یک سربازی که آرزوئی جز شهادت ندارد باقی بماند. روزی فرا خواهد رسید که همه لحظه‌ها سپری می‌گردد و آنچه باقی می‌ماند دو چیز است: خوبی و نام نیک □

مادرم ای کسی که همیشه به یادت بودم و شبها با نام مقدست سر بر بالش سربازی که همانا تفنگ پرابهت تاریخ است می‌گذارم، مادرم به آن شیر حلالی که از آن نوشیدم و آن دستهای پینه بسته‌ات سوگند می‌خورم جز در راه خدا به مبارزه بر نخیزم، مادرم برای فرزندی که آن را در دامانت پروردی دعا کن که به آرزوی دیرینه‌اش یعنی "شهادت" برسد. برای رزمندگان ما دعا کن که با دستهای پر به میهن برگردند. مادر اگر شهید شدم در فراغم گریه نکن و همیشه سعی کن صبور باشی و الگویی برای مادران باشی، فرزند تو خونس از خون حسین(ج) رنگین تر نیست پس فاطمه وار باش □

پدر خوبم ای کسی که همیشه همراهیم کردی، زحمتهای کشیدی تا مرا به اینجا رساندی تو را دوست دارم و هرگز فراموش نخواهم کرد، و برایت دعا می‌کنم که همواره رهرو راه امام باشی و برایم دعا کن که آرزوی دیرینه‌ام برسم و می‌دانم که برایم گریه می‌کنی از خداوند می‌خواهم که صبر به تو عنایت فرماید و □

مادر:

به افسانه شیرین تو سوگند مادر	به سجاده پرچین تو سوگند مادر
به آن شیر حلالی که پرورانده آنم	به خرماي قشنگت که شد ورد زبانم
به دستایی که در خدمت طفلت پینه بسته	و به قلبی که هزار بار سر سجاده شکسته
هرگز نکنم مهر و وفای تو فراموش	تا وقتی که جسمم بکشد خاک در آغوش

پایان



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران